

شمع چون خاموش گردد، داغ محفل می شود

ضمیره غفاراوا*

تحمّل شنیدن مرگ دانشمند بزرگ زبان و ادبیّات فارسی در قلمرو هندوستان پروفیسور سیّد امیر حسن عابدی (۲۰۱۱-۱۹۲۱ م) برایم خیلی گران افتاد، زیرا حضور این شخصیت بزرگ در زندگانی معنوی من خیلی مؤثر و مجلّل است. همیشه وقتی صحیفه‌های خاطرات خویش را با هستی پریکات استاد ورق می‌گردانم، این حضور فیض‌بخش روشن‌تر و جلوه‌گرتر می‌گردد. از ملاقات اولین با او در تاجیکستان تا آخرین دیدار در هندوستان به‌مانند نوار از صفحات دل و لوح خاطر عبور می‌کنند.

هنوز دخترک خردسالی بودم، که استاد بزرگوار پروفیسور سیّد امیر حسن عابدی مهمان خاندان ما گشتند. قبله‌گام عادت داشتند، که وقتی دانشمندان هندوستانی و پاکستانی به‌خاندان ما مهمانی می‌آمدند، ما - فرزندان - را به‌نزد ایشان خوانده، شناس می‌کردند و می‌خواستند، که ما از صحبت و گفتارهای آنان بهره‌ور گردیم. ضمن این حضور مهمان‌های خارجی پیوسته من بی‌طاقانه منتظر آن می‌شدم، که کی پدرم ما را به‌مهمانخانه دعوت می‌نمایند. آن روز به‌من معلوم گشت، که این مرد بالابلند و بزرگ‌منش و خوش‌رفتار، که با پدرم از منظرها و باغ‌های ناتکرار هند، از تاج محلّ یگانه و معجزه بزرگ عالم، از اشعار غالب و اقبال، خسرو و غنی و دیگر سخن‌سرایان پارسی‌گوی هند صحبت‌های شیرین می‌کنند، پروفیسور سیّد امیر حسن عابدی می‌باشند. هنوز اوان خردسالی‌ام را با تمام هستی‌ام درک می‌نمودم، که دیدم این شخص چه محبت بزرگی نسبت به ادبیّات فارسی، به‌ویژه ادبیّات فارسی‌زبان شبه قاره هند دارند.

* دکترای علوم فیلولوژی، دانشگاه دولتی خجند، تاجیکستان.

با امر تقدیر برایم میسر گردید، که بعداً در زمینه سفرهایم به سرزمین افسانوی هند بارها با این شخصیت بزرگ ملاقات نمایم. نخستین ملاقات ما در اولین سفرم به سرزمین هندوستان در سال ۱۹۸۷ م اتفاق افتاد. من به‌حیث تجربه‌آموز زبان هندی در دانشگاه جواهر لعل نهرو تحصیل می‌نمودم. طول یک‌ساله‌ای که در شهر دهلی اقامت داشتم، بارها با چندی از دوستان پدرم، به‌مانند کاشی نات پاندیتا، قمر رئیس، منصوره حیدر و همچنین استاد عابدی ملاقات داشتم. استاد بزرگوار سید امیر حسن عابدی مرا پدرانۀ نصیحت می‌کردند، که امکان در هندوستان بودن را خوب استفاده برده، از کتابخانه‌های این سرزمین معرفت‌پرور فیض معنوی بردارم. ایشان همیشه از قبله‌گاه من چون نخستین پژوهشگر ادبیات فارسی‌زبان هند، که برای تحصیل و بازآموزی از تاجیکستان به هندوستان آمده بود و منبَعَد در شمار هندشناسان نامی قرار گرفت، به‌نیکی یاد می‌کردند. در جریان صحبت‌ها سفرهای خود را به تاجیکستان به‌خاطر آورده، از حال دوستان دانشمند خود عبدالقادر منیازف، عبدالمنان نصرالدین‌اف و دیگران پرسیان می‌شدند. صمیمیت ایشان نسبت به تاجیکستان در تمام صحبت‌ها و ملاقات‌هایشان احساس می‌گردید.

آخر سال ۲۰۰۶ م به‌دیدار سرزمین هند دوباره سرفراز گشتم. آگاهی یافتم، که استاد بزرگوار سید امیر حسن عابدی هر هفته روزهای معینی به‌خانه فرهنگ ایران تشریف آورده، در کتابخانه مشغول انجام کارهای پژوهشی خویش می‌گردند. ملاقات ما با استاد عابدی محض در همین مکان پرفیض برگزار می‌شد و دیدارهای فرهنگی و معرفتی جریان گرفت. سرفراز از آن هستم، که استاد بزرگوار سید امیر حسن عابدی من و خواهرم امیده را به‌مسئولین خانه فرهنگ ایران، از جمله رئیس آن آقای شکیب، و مسئول روابط عمومی آقای احمدی، رئیس رایزنی فرهنگی ایران در هندوستان آقای مظفری به‌حیث دختران خود معرفی نمودند. در خانه فرهنگ ایران ما را خیلی خوش پذیرایی نموده، برایمان امکان فراهم آوردند، که ما از کتابخانه‌های مرکز تحقیقات فارسی استفاده کنیم.

منبَعَد با استاد بزرگوار سید امیر حسن عابدی ما در روزهای معین در کتابخانه رایزنی فرهنگی ایران دیدار می‌نمودیم، از هر بابت ملاقات و صحبت‌ها انجام می‌دادیم.

استاد ارجمند سید امیر حسن عابدی کوشش نمودند، که سفر ما، که طول بیش از یک ماه ادامه داشت، خاطرمان و رنگین و پرمحصول گذرد. این پیر خرد و دانشمند فاضل و انسان شریف ما را عالی هم‌تانه سرپرستی نموده، پیوسته ما را به‌عالمان و دانشمندان این سرزمین معرفی نموده، برای بازدیدهای ما از مراکزهای علمی و مکتب‌های عالی شرایط فراهم می‌آوردند. مثلاً، استاد عابدی به‌مدیر بخش فارسی دانشگاه دهلی پروفیسور چندر شیکهر به‌طریق تلفن تماس گرفته، از ایشان خواهش نمودند، که ملاقات ما را با استادان بخش فارسی دانشگاه تشکیل نمایند. وقتی که ما به‌دانشگاه دهلی حاضر شدیم، پروفیسور چندر شیکهر و استادان زبان و ادبیات فارسی، سیده بلقیس فاطمه حسینی، نرگس جهان، ریحانه خاتون، زاهد علی، شریف حسین قاسمی، محمد اسلم خان و دیگران ما را با صمیمیت افزون پذیرایی نموده، با فعالیت بخش فارسی، محصول کوششهای علمی و وضع تدریس زبان فارسی آشنا ساختند.

امر تقدیر رهنمایم بود، که چند سال آخر در چندین همایش و کنگره‌های بین‌المللی در شهرهای مختلف کشور هندوستان شرکت و سخنرانی نمایم. هر بار، که به‌هند می‌آمدم، حتماً استاد بزرگوار سید امیر حسن عابدی را زیارت می‌نمودم. آخرین مرتبه پایان سال ۲۰۱۰ م به‌خانه ایشان واقع در وسنت کُنچ آمدم. هنگام صحبت از ایشان سؤال کردم، که سرّ دراز عمری‌شان را برای من باز کنند. استاد بزرگوار تبسم نمودند. در زیر این تبسم گویا سرّی نهفته بود. در خود گمان می‌کردم، که اسرار این عمر طولانی شاید همان دل‌بستگی و ارادت و صداقت به‌زبان فارسی باشد، که واقعاً هر نفر محبوب این زبان بهشتی را می‌تواند نیرو و توان پیوسته عطا نماید. صدق و اخلاص و ارادت استاد با بزرگان و صاحب‌زبانان ادبیات فارسی هدایتگر این مرد بزرگ به‌سوی عمر طولانی پربرکات گردیده است.

اثر ملاقات و صحبت با این دانشمند فرهیخته و شخصیت متبحر ادب‌پژوه لحظه‌های خاطرمان و خاطریز و اندیشه‌های پرسودی را به‌جا گذاشت. هر دفعه‌ای، که با استاد عابدی ملاقات می‌نمودم، احساس می‌کردم، که این صحبت‌ها با پیر خرد، دانشمند برجسته و چهره معروف علم و ادب فارسی از لحظه‌های ماندگار در صحیفه‌های خاطرات من خواهند بود. بیشتر از همه مرا خاکساری و فروتنی ایشان متحیر ساخت،

چون که با آن همه دانش و فضیلت و اعتبار معنوی استاد هرگز تکبر و غرور را به خود روا ندیده‌اند و یک عمر با همان خاکساری عالی انسانی خوب زیستند، که واقعاً برای ما امروزیان این سبق بی‌نظیر محسوب می‌شود. من برای خود از هر ملاقات و صحبت با استاد به تکرار احساس می‌کردم، که مرحوم حامی بزرگ و یکی از خدمتگزاران برجستهٔ زبان و ادبیات فارسی در هندوستان بودند و همین رسالت عالی علمی و انسانی را تمام عمر با سربلندی به سامان رسانیدند.

پروفسور سید امیر حسن عابدی را در حوزه‌های علمی تاجیکستان به‌حیث یکی از پرکارترین دانشوران و محققان زبان و ادبیات فارسی در کشور هند، که تمام زندگی پربرکت خویش را برای خدمت به ادب و فرهنگ فارسی مصرف نموده است، می‌شناسند. ایشان گوهرهای نایابی را، که در کتابخانه‌های گوناگون سرزمین هند محفوظند، به جهان علم و دانش معرفی کردند. امروز صدها آثار علمی استاد برای دانشمندان نقاط گوناگون جهان فارسی به‌حیث راهنما خدمت می‌کنند. از جمله، مقالات علمی «حیاتی گیلانی و «تعلق‌نامه»، «کامی شیرازی»، «دیوان پیام»، «نوعی خوبشانی»، «کلیات ساعی»، «پندیت زنده رام موبد کشمیری»، «شعر نو بنیانگذار ایران»، «افغانستان و هند»، «تاریخ سلاطین صفویه»، «دیوان شاه»، «مولانا کاشفی»، «مناهر داس توسنی»، «بابا ولی رام»، «ملاً طغرا»، «شهریار»، «سبک فارسی میر»، «قصیدهٔ گرانها و ناشناختهٔ شعرای بزرگ»، «مقطعات و رباعیات ناشناختهٔ شعرای بزرگ فارسی»، «دیوان اوّل مشفق بخاری»، «ادبیات ناشناختهٔ امیر خسرو دهلوی»، «ادبیات ناشناختهٔ خاقانی و کمال‌الدین اصفهانی»، «دیوان طوسی»، «ابن یمین فریومدی و ابن یمین شیبورغانی»، «فسونی یزدی»، «دیوان ثاقب» و غیره محصول علمی این محقق صاحب‌نظر می‌باشد، که در آنها با کمال صراحت و ساده‌بیانی با بهترین شیوه‌های علمی خاورشناسی جهان مسائل مبرم ادبیات فارسی و پیوندهای ادبی قلمرو ادبیات فارسی بررسی شده‌اند. استاد همچون محقق ژرف‌بین پیش از همهٔ تلاش بر آن نموده‌اند، که براساس نسخه‌های موجود دیوان و آثار خطی شاعران مختلف ادبیات فارسی صحیفه‌های ناروشن ادبیات ما را مجلل گردانند. از جمله، ملاحظات علمی استاد راجع به نسخه‌های دیوان‌های مشفق بخارایی، امیر خسرو و مخصوصاً اشعار ناشناختهٔ این شاعران قیمت بلند علمی

را صاحب بوده، برای ادبیات‌شناسی کشورهای فارسی‌زبان واقعاً سخن تازه و نو محسوب می‌شوند. در کنار این، استاد عابدی در زمینه تصحیح و تدوین متن‌های فارسی کارهای نمایانی انجام داده، اغلب نسخه‌های خطی فارسی ادیبان معروف و غیرمعروف را تهیه و معرفی نموده است. از جمله، «یاگوسیشته» (با همکاری جلالی نایینی، علیگره، ۱۹۶۸ م)، «سوز و گداز» (تهران، ۱۹۷۰ م)، «منتخب اللطائف» (تهران، ۱۹۷۱ م)، داستان «پدموت» (تهران، ۱۹۷۲ م)، «پنچکینه» (علیگره، ۱۹۷۳ م)، «مثنویات فانی کشمیری»، «ضمیمه تعلق‌نامه امیر خسرو» (با همکاری سید مقبول احمد، دهلی، ۱۹۷۵ م)، «گلزار حال یا طلوع قمر معرفت» (علیگره، ۱۹۶۱ م)، «دریای اسمار» (دهلی، ۱۹۹۸ م)، «عصمت‌نامه» (دهلی، ۱۹۸۵ م)، «کتھاسریت ساگر» و غیره نمونه بهترین کارهای علمی استاد به‌عنوان متن‌شناس صاحب‌نام ادبیات فارسی محسوب می‌شوند. فزون بر این، استاد عابدی در مسیر فعالیت‌های توسعه علمی خویش توانستند، که نفرت زیادی را به‌جاده‌های شناخت ادبیات فارسی هدایت نمایند و ثمره این کار مفید ایشان به‌دفاع رسیدن چندین رساله‌های علمی شاگردان ایشان به‌شمار می‌رود.

واقعاً، استاد عابدی تا لحظه‌های واپسین عمر در راه حفظ زبان و ادبیات فارسی در سرزمین هندوستان زحمت و فداکاری‌هایی از خود نشان داده، کارنامه‌های ماندگاری به‌یادگار گذاشتند. با رفتن ایشان از دنیای فانی جامعه فرهنگی جهان فارسی بزرگمردی را از دست داد، که تمام حیات پر بارش را برای تشویق و ترغیب زبان فارسی در سرزمین هند مصرف کرد. اهل علم و ادب تاجیکستان نیز در سوگ مرگ این دانشمند گرامی، پاسدار زبان و ادبیات فارسی در هند مؤثر و غمزده گردیدند. این دانشمند ممتاز واقعاً پیکره بزرگ و بی‌نظیر علم ادبیات‌شناسی فارسی بودند، که بهترین کارنامه‌های علمی را به‌میراث گذاشتند و همین تلاش‌هایشان بود، که آثار ماندگار و خدمت‌های ناتکرار استاد در رشته سخن‌سنجی و سخن‌شناسی ابدیت نامشان را در صحیفه‌های رنگین زندگانی انسانی نقش بست. با هستی منور علمی خود استاد توانستند، که مهر و اخلاص فراوانی را در قلب‌های هزاران دانشمند و محب ادبیات فارسی گذارند و همین است، که امروز ما باید وجود مبارک استاد را به‌تعبیر شاعر در سینه‌های مردم عارف جستجو کنیم:

بعد از وفات تربت ما در زمین مجو در سینه‌های مردم عارف مزار ماست
 اگرچه جسم این استاد فاضل از میان ما رفته است، اما مطمئنم، که هر کجا نام
 استاد می‌رود، هستی یک مکتب بزرگ علمی و نام یک ابرمرد راه ادبیات جلوه‌گر
 خواهد شد. بحق، ابوالمعانی بیدل این نکته را بدرستی تفسیر کرده است، که گمان
 می‌کنم صورتگر زندگانی ماندگار استاد عابدی است:

تا قیامت در کف خاکی، که نقش پای اوست دل تپد، آینه باله، گل دمد، جان بشکفد
 از درگاه سرمدی و لایزالی خداوند متعال برای روان پاک استاد گرامی قدر رحمت
 و کرامت همیشگی استدعا می‌کنم. باوری دارم، که با آن زحمات و تلاشی، که در راه
 علم انجام دادند، برای همیشه بهشت لامکان را برای خود خریده‌اند، چون مقام عالمان
 اصیل در اکثر احادیث پیامبر اکرم^(ص) بهشت عدن مقرر شده است و استاد ارجمند ما
 از تبار همین عالمان و مربیان روح انسانیت هستند. واقعاً، فقدان این دانشمند موجب
 تأسفی برای ادبیات‌شناسی فارسی است و باختن صاحب‌دلی، که به تعبیر بیدل مرگش
 دلیل کلفت است:

مرگ صاحب دل جهانی را دلیل کلفت است

شمع چون خاموش گردد، داغ محفل می‌شود

روانتان شاد باد استاد ارجمند!